



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فيما يجب فيه الخمس - الخامس: مايفضل عن مؤونه السنه تاريخ: ۶ بهمن ۱۳۹۴
موضوع جزئی: مقام چهارم: استثناء مؤونه - جهة الاولى: استثناء مؤونه تحصيل مصادف با: ۱۵ ربيع الثاني ۱۴۳۷
سال ششم جلسه: ۵۶

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

خلاصه جلسه گذشته

در مقام رابع که بحث از استثناء مؤونه است عرض کردیم دو جهت مورد رسیدگی قرار می‌گیرد؛ جهت اولی درباره استثناء مؤونه تحصيل است و جهت ثانی پیرامون استثناء مؤونه سنه است. در مورد استثناء مؤونه تحصيل، گفتیم چند دلیل بر وجوب خمس بعد از کسر هزینه‌های تحصيل مال اقامه شده است که دو دلیل را ذکر کردیم؛ دلیل اول این بود که اساساً عنوان فائده تنها بعد از کسر هزینه‌های تحصيل صادق است. دلیل دوم هم روایاتی بود که به نحو مطلق در آنها آمده بود که الخمس بعد المؤونه و عرض کردیم اطلاق بعد المؤونه، شامل مؤونه تحصيل هم می‌شود. اشکالی هم که به اطلاق این روایات شده بود پاسخ داده شد.

دلیل سوم: روایات خاصه

دلیل سوم روایات خاصه است. منظور از روایات خاصه روایاتی است که دلالت بر استثناء مؤونه تحصيل بخصوصها می‌کند؛ در دلیل دوم به اطلاق روایات مشتمل بر استثناء مؤونه استدلال شد، در این دلیل، روایاتی که مؤونه تحصيل را بخصوصها استثناء کرده مورد استناد قرار می‌گیرند. چند روایت اینجا وجود دارد:

روایت اول

روایت اول صحیح علی بن مهزیار است که قبلاً هم خواندیم. در بخشی از روایت، راوی در مورد اختلافی که بین اصحاب پیش آمده سؤالی مطرح کرده؛ می‌گوید: «فاختلف من قبلنا فی ذلك، فقالوا: يجب على الضیاع (الصناع) الخمس بعد المؤونه، مؤونه الضیعة (الصنعة) و خراجها لا مؤونه الرجل و عیاله»؛ می‌گوید اختلاف شد، بعضی گفتند که خمس بعد از مؤونه بر زراعت یا آن چیزهایی که ساخته می‌شود، واجب است. آن هم مؤونه زراعت و یا مؤونه صنعت، نه مؤونه رجل و عیالش. پس سؤال کرده از امام در مورد خمس و بعد می‌گوید بعضی از دوستان و اصحاب و پیروان شما اینچنین گفته‌اند که خمس بعد از مؤونه تحصيل و هزینه‌های تحصيل مال واجب می‌شود، نه بعد از مؤونه زندگی و هزینه‌های مربوط به اهل و عیال. فکتب (ع) و قرأه علی بن مهزیار: «عليه الخمس بعد مؤونه و مؤونه عیاله و بعد خراج السلطان». خمس بر او واجب است بعد از مؤونه آن ضیاع یا خراجش و مؤونه عیالش و بعد از خراج سلطان.^۱

تقریب استدلال به این روایت این است که در سؤال، سخن از اختلافی است که در استثناء مؤونه رجل و عیال او پیش آمده است در حالی که کأن استثناء مؤونه تحصيل مفروغ عنه است. اگر در سؤال دقت کنید، این مطلب قابل استفاده است که راوی می‌گوید بعضی گفته‌اند بعد از کسر مؤونه تحصيل مال خمس واجب است نه بعد از مؤونه رجل و عیالش. نقطه

۱. تهذیب، ج ۴، ص ۱۲۳، ح ۳۵۴. استبصار، ج ۲، ص ۵۵، ح ۱۸۳. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۰، باب ۸ از ابواب ما يجب فيه الخمس، ح ۴.

اختلاف در مؤونة اهل و عیال است. پس در سؤال کأن این مسئله مفروغ عنه است که مؤونة تحصیل تا کسر نشود و استثناء نشود، خمس واجب نیست. امام هم در جواب ضمن تأکید بر استثناء مؤونة تحصیل، به استثناء مؤونة رجل و اهل و عیال آن هم تصریح کردند. یعنی می‌خواهند بگویند که نه تنها مؤونة تحصیل استثناء می‌شود بلکه مؤونة رجل و عیالش هم استثناء می‌شود.

مؤید این مطلب که اینجا نظر به استثناء مؤونة تحصیل است، این «بعد خراج السلطان» است که در کلام امام آمده است. خراج سلطان مالیاتی است که برای تجارت یا زراعت به حکومت می‌پردازند. اینکه امام فرموده خمس بعد از خراج سلطان هم واجب می‌شود گویای این است که خراج سلطان هم از مؤونة‌های تحصیل مال است.

بنابراین می‌توانیم از این روایت بخصوصه استثناء مؤونة تحصیل را به خوبی استفاده کنیم؛ هم در سؤال که مفروغ عنه دانسته شده، هم امام (ع) در جواب این را فرموده اند. و یک اشعاری هم به نوعی می‌توانیم از این روایت استفاده کنیم که وقتی مؤونة بدون مضاف الیه ذکر شود چه بسا ظهورش در مؤونة تحصیل قوی تر باشد؛ چون در اینجا امام فرمود: «علیه الخمس بعد مؤونته و مؤونة عیاله»؛ یک احتمال این است که ضمیر مؤونته به رجل برگردد. می‌خواهد بگوید که خمس بعد از مؤونة رجل و مؤونة عیالش و خراج سلطان است. اگر این را بگوییم، در این صورت کأن آنچه را که در سؤال راوی آمده، تقریر کرده و موافقت کرده که مؤونة ضیعه و خراج ضیعه استثناء می‌شود و علاوه بر آن مؤونة عیال و رجل هم استثناء می‌شود. یعنی جواب امام ناظر به مؤونة رجل و عیالش باشد. آنگاه از کلمه بعد خراج السلطان می‌توانیم استفاده کنیم که امام (ع) می‌خواهد بگوید خمس در صورتی واجب می‌شود که نه تنها مؤونة رجل و عیالش داده شود، بلکه حتی مالیاتی را هم که به حکومت داده می‌شود، آن هم استثناء شود چون آن هم جزء مؤونة‌های تحصیل است.

ولی اگر ضمیر در مؤونته را به رجل بر نگردانیم بلکه منظور مؤونة و هزینه‌های مربوط به اصل عمل (زراعت و ضیعه و امثال اینها) باشد؛ اینجا کأن مؤونة بدون اضافه به رجل و عیال، چه بسا ظهور در مؤونة تحصیل داشته باشد. به هر حال اگر خالی از مضاف الیه باشد، این بیشتر در مؤونة تحصیل مال ظاهر است تا مؤونة اهل و عیال؛ اگر این را بگوییم آنوقت در روایات مطلقه حتی می‌توانیم ادعای انصراف کنیم و بگوییم روایات مطلقه هر چند مطلق است ولی به نوعی انصراف به مؤونة تحصیل دارد، لکن هر کدام از این دو احتمال باشد لطمه‌ای به استدلال به این روایت نمی‌زند.

روایت دوم

روایت دوم روایت محمد بن عیسی عن یزید است یا بنابر بعضی نسخه‌ها محمد بن عیسی بن یزید است. در سند این روایت اختلاف شده و بعضی اشکال کردند که ما قبلاً این مسئله را مورد رسیدگی قرار دادیم. در این روایت سؤال شده از فائده؛ امام (ع) در پاسخ فرمودند: «الْفَائِدَةُ مِمَّا يُفِيدُ إِلَيْكَ فِي تِجَارَةٍ مِنْ رِبْحِهَا وَ حَرْتٌ بَعْدَ الْغَرَامِ أَوْ جَائِزَةٌ»؛ امام (ع) در این روایت فرموده فائده موضوع خمس عبارت است از چیزی که به تو میرسد از ربح تجارت و حرث بعد الغرام. یعنی آن چیزی که از زمین بدست می‌آید بعد از هزینه‌هایی که در آن زمین صورت گرفته است.

ظاهر حرث بعد الغرام نشان می‌دهد مطلق حرث، موضوع خمس نیست بلکه خمس بعد الغرام واجب است یعنی موضوع خمس عبارت است از «ما زاد عن مؤونة التحصيل». پس مؤونة تحصيل باید کسر شود.

تنها نکته‌ای که در این روایت وجود دارد این است که با این روایت استثناء مؤونة تحصيل در همه مواردی که یجب فيه الخمس ثابت نمی‌شود. اینجا یا در خصوص حرث یا در نهایتاً در خصوص ارباح تجارت و زراعت ثابت می‌شود ولی ما می‌توانیم از راه الغاء خصوصیت از مورد روایت، لزوم استثناء مؤونة تحصيل برای وجوب خمس را در همه استفاده کنیم.

روایت سوم

روایت سوم روایتی است از زراره که در باب معدن وارد شده و ما قبلاً این روایت را در مباحث مربوط به معدن ذکر کردیم؛ در آن روایت این جمله از امام آمده که می‌فرماید: «مَا عَالَجْتُهُ بِمَالِكَ فَفِيهِ مَا أَخْرَجَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْهُ مِنْ حِجَارَتِهِ مُصْفًى الْخُمْسُ»؛ بر اساس این روایت امام (ع) می‌فرماید خمس واجب است بعد از آن کارهایی که شما بر روی ما استخراج انجام می‌دهی. «ما عالجتہ بمالک ففیه»؛ می‌گوید آنچه که استخراج شود در حالی که مصفی یعنی تصفیه شده، آن هزینه‌هایی که برای بعمل آوری این سنگ انجام دادی کسر شود، آن متعلق خمس است.

ظاهر این روایت هم استثناء مؤونة تحصيل و استخراج است در باب معدن لکن معدن خصوصیت ندارد. ما می‌توانیم از معدن به سایر موارد هم تعدی کنیم و این استثناء مؤونة تحصيل را در همه موارد ثابت کنیم.

از این سه روایت، روایت اول که به نوعی درباره زراعت و یا صنعت بود. روایت دوم به نوعی مربوط به زمین و تا حدودی تجارت بود. در روایت سوم هم مسئله معدن مطرح شده است؛ هیچ کدام از این موارد خصوصیتی ندارند که ما بگوییم مؤونة تحصيل فقط در مورد این روایات استثناء می‌شود. بلکه ما الغاء خصوصیت می‌کنیم و می‌گوییم مؤونة تحصيل در همه موارد لازم است که استثناء شود تا خمس واجب شود.

دلیل چهارم: فحوای روایات دال بر استثناء مؤونة سنة

دلیل چهارم فحوای روایاتی است که دلالت بر استثناء مؤونة سنة می‌کند؛ ما در جهت ثانیه خواهیم گفت که بعضی ادله دلالت می‌کنند بر استثناء مؤونة سنة. این ادله را ما ذکر خواهیم کرد. پس ما فعلاً اصل استثناء مؤونة سنة را مفروض می‌گیریم و می‌گوییم ادله‌ای بر این مطلب دلالت می‌کند. بعد از دانستن این مسئله استدلال این است که اگر استثناء مؤونة سنة ثابت شود یا به تعبیر دیگر اگر مؤونة سنة استثناء شود، مؤونة تحصيل به طریق اولی استثناء می‌شود. اگر برای ما ثابت شود که مؤونة سنة استثناء شده، و این را از ادله استفاده کنیم، می‌توانیم از راه اولویت و فحوای این ادله استفاده کنیم مؤونة تحصيل هم استثناء شده است چون مؤونة سنة هیچ مدخلیتی در تحقق عنوان فائده ندارد یعنی واقعاً اگر کسی مؤونة سنة را کسر نکند، مالی که در دست شخص هست از نظر لغت و عرف فائده محسوب می‌شود. اگر کاسبی در تجارت یک سودی بدست بیاورد، قبل از اینکه از آن پول صرف مخارج زندگی‌اش کند، عرف این را فائده حساب می‌کند. اینگونه نیست که عرف صبر کند تا آخر سال و بعد بگوید که هر چه که این آقا خرج کرده کم کنیم و بعد مازاد آن را بگوییم این فائده است. خیر! عنوان فائده در اینجا صدق می‌کند. پس استثناء مؤونة سنة مدخلیتی در تحقق عنوان فائده ندارد.

۱. تهذیب، ج ۴، ص ۱۲۲، ح ۳۴۷. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۹۲، باب ۳ از ابواب ما یجب فیه الخمس، ح ۳.

حال اگر در مؤونه سنة که این خصوصیت را دارد، ما قائل به استثناء شویم. در مؤونه تحصیل که در تحقق عنوان فائده مدخلیت دارد به طریق اولی باید قائل به استثناء شویم؛ چون ما گفتیم تا هزینه‌های تحصیل درآمد و مال کم نشود، اصلاً عنوان فائده منطبق نیست. کسی که چیزی را می‌فروشد، عنوان فائده بر کل فروش منطبق نمی‌شود. عنوان فائده بر کل مبلغ فروش، منهای هزینه‌های تحصیل مال منطبق می‌شود. پس ملاک اولویت این است، فحوی از این راه استفاده می‌شود. چیزی که اساساً مدخلیت در تحقق عنوان فائده ندارد اگر استثناء شود، به طریق اولی چیزی که دخالت دارد استثنائش در تحقق عنوان فائده باید استثناء شود.

مؤید این مسئله نکته‌ای است که در روایت علی بن مهزیار وجود دارد یعنی در آن روایت ملاحظه فرمودید که کأن استثناء مؤونه تحصیل نزد سائل مفروغ عنه بوده لذا سؤال از استثناء مؤونه عیال است. خود این، اولویت استثناء مؤونه تحصیل بر استثناء مؤونه سنة را نشان می‌دهد. (این دلیل هم یک دلیل قابل توجهی است.)

نتیجه

پس مجموعاً به استناد این چهار دلیل می‌توان گفت قطعاً وجوب خمس بعد از مؤونه تحصیل است و در این جهت فرقی بین موارد و موضوعات خمس نیست. هر چیزی که متعلق خمس است، وجوبش زمانی است که هزینه‌های تحصیل آن مال استثناء شده باشد. تا قبل از استثناء این هزینه‌ها خمس واجب نیست.

«هذا تمام الكلام فی الجهة الاولى»

بحث جلسه آینده: اما جهت ثانیه که بحث از استثناء مؤونه سنة است که بحث اصلی هم است در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد إن شاء الله.

«الحمد لله رب العالمین»